



## سخنرانی در مراسم بیعت مدرسان، فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد مقدس - 20 / تیر / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

به همهی آقایان محترم و علمای اعلام و اساتید و مدرسان محترم حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد که در حرکت عظیم اسلامی مردم حقیقتا صادق و ثابت قدم بودند و سابقه‌ی درخشانی داشتند و ان شاء الله در آینده هم همین خصوصیات برجسته را حفظ خواهند کرد، خیر مقدم عرض می‌کنم و متقابلا این مصیبت جانکاه و فقدان بزرگ برای عالم اسلام را به همهی شما، مخصوصا علمای اعلام و اساتید و بزرگان، تسلیت می‌گویم. به مناسبت اجتماع شما آقایان محترم و اقتران این روزها با سالگرد شهادت حضرت امام باقر (صلوات الله و سلامه علیه)، بجاست اشاره‌ی به مسایل خاص روحانیت و حوزه‌های علمیه بکنیم. وظیفه‌ی که امروز در نظام جمهوری اسلامی برعهده‌ی علما و روحانیون است، از چند جهت وظیفه‌ی استثنایی است: هم برای خود ما در طول تاریخ روحانیت شیعه و فقهات اسلام استثنایی است و هرگز چنین دورانی را نداشتیم که فقها و علما وظیفه‌ی سنگینی مانند امروز داشته باشند، و هم نسبت به سایر علمای دین در سراسر جهان این وظیفه استثنایی است؛ چون در کشور و جامعه‌ی ما نظامی استقرار پیدا کرده است که بر مبنای تفکر و شریعت اسلامی شکل گرفته و اداره می‌شود و این نظام پذیرفته است که به سمت تحقق کامل شریعت و اهداف اسلامی حرکت کند. علما در بلاد اسلامی، از این جهت بار سبکتری بر دوش دارند.

اگرچه به یک معنا وظیفه‌ی دفاع از دین عمومی است و سکوت علما در مقابل سلاطین و رؤسای ظالم و ضد دین و مداخلات آنها در برابر سیاستهای استکباری - چه شرقی و چه غربی - قابل قبول نیست و خدای متعال وظیفه‌ی دفاع از دین را برعهده‌ی علما و مرشدان ملت و معلمان امت گذاشته است و این امر اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارد و در همهی اقطار اسلامی، دفاع از اسلام و قرآن و شریعت اسلامی در درجه‌ی اول برعهده‌ی علماست و در هیچ شرایطی از این کار معاف نمی‌شوند، منتها در آن کشورها کار علما آسانتر و ساده‌تر است و پیچیدگی کار در نظام اسلامی را ندارد.

در آن جا مسؤولیت دفاع از حیثیت جهانی اسلام و تنظیم سیستم و نظامی که لزوما تمام جوانب آن براساس اسلام شکل بگیرد، بر دوش آنها نیست. آنها وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را تا حدی که در فقه مشخص شده و به اندازه‌ی که امکان اثر و یا قدرت انجام آن باشد، لازم می‌دانند؛ اما اداره‌ی نظام و مردم و ساختن و پرداختن و جمع و جور کردن مجموعه‌ی زندگی انسانها براساس اسلام، کار بسیار پیچیده و ظریف و دشواری است که در این زمان بر دوش ما و علما در جامعه‌ی اسلامی است.

ممکن است آنها از لحاظ مبارزه‌ی سیاسی، بعضی از دشواریها را داشته باشند؛ اما آن سختیها به مراتب آسانتر و سبکتر از مسؤولیت‌هایی است که برای دفاع از حیثیت جهانی اسلام در نظام ما وجود دارد. باید باور کنیم که اگر امروز جمهوری اسلامی بد و ضعیف عمل کند، فقط به حیثیت این نظام صدمه نمی‌خورد؛ بلکه به تمام حیثیت اسلام صدمه خواهد خورد.

درحقیقت از نظر ناظران جهانی، قبه‌الاسلام و علم و مظهر جامعه‌ی نمادین اسلام این جاست. اگر ما ضعیف و بد عمل کنیم و نتوانیم احکام اسلامی و عدالت اجتماعی را استقرار ببخشیم و استعدادها را جوشان سازیم و از آنها استفاده کنیم و نتوانیم اخلاق اسلامی را در جامعه رواج دهیم و روابط انسانها را به صورت مطلوب تنظیم کنیم، قضاوت دنیا این خواهد بود که اسلام نتوانست به وعده‌های خود عمل کند. می‌بینید که این مسؤولیت فقط برعهده‌ی ماست، و علمای کشورهای دیگر که با نظامهای متفاوت زندگی می‌کنند، این احساس را در خود ندارند. داستانی را مولوی نقل کرده است که البته نمادین (سمبلیک) است؛ ولی هرگاه به یاد می‌آید، بر خود می‌لرزیم و



به خدا پناه می‌برم. او می‌گوید:

در شهری که هم مسلمانها و هم مسیحیها زندگی می‌کردند، مؤذن بدصدایی وارد محله‌ی مسلمانها شد و چند وعده اذان گفت. روزی یک مرد نصرانی از محله‌ی خود به محله‌ی مسلمانها آمد و سراغ مؤذن را گرفت؛ او را راهنمایی کردند، تا بالاخره مؤذن را پیدا کرد و بعد از دیدنش تشکر فراوانی از او کرد! مؤذن گفت: چرا از من تشکر می‌کنی؟ مرد نصرانی پاسخ داد: تو حق بزرگی بر گردن من داری که هیچ‌کس ندارد؛ زیرا من دختر جوانی در خانه دارم که مدتی است محبت اسلام به دلش افتاده است و تمایل به مسلمانی دارد. هر کار می‌کردم، به کلیسا نمی‌آمد و در مراسم ما شرکت نمی‌کرد و به عقاید ما بی‌اعتنا بود. ما در کار این دختر، عاجز و درمانده شده بودیم. دو، سه روز پیش که تو اذان گفتی و این دختر صدایت را شنید، گفت: این صدای کریه از کجاست؟! گفتیم: اذان مسلمانهاست. از آن لحظه بود که ما راحت شدیم و بکلی محبت اسلام از دل این دختر رفت و در حال حاضر مثل زمان عادی گذشته، به زندگی خود مشغول است و در کلیسا حاضر می‌شود و مراسم را انجام می‌دهد! بنابراین، تو بودی که دختر ما را به ما برگرداندی!

بارها به خود و دوستانم گفته‌ام که مبدا ما آن مؤذن بدصدا باشیم که عشق به اسلام را در دلها فرو بنشانیم و استفهام عظیمی را که در دنیا برای شناخت اسلام به وجود آمده است، با پاسخ منکر و زشتی پاسخ دهیم. ما مبارزه‌ی خود را برای اسلام و خدا شروع کردیم و قصد قدرت‌طلبی و قبضه کردن حکومت را هم نداشتیم. چندین بار از امام عزیزمان (اعلی‌الله کلمته) پرسیده بودم که شما از چه زمانی به فکر ایجاد حکومت اسلامی افتادید، و آیا قبل از آن چنین تصمیمی داشتید؟ (این پرسش به خاطر آن بود که در سال 1347، درسهای "ولایت فقیه" ایشان در نجف شروع شده بود و 48 نوار از آن درسها نیز به ایران آمده بود). ایشان گفتند: درست یادم نیست که از چه تاریخی مسأله‌ی حکومت برایمان مطرح شد؛ اما از اول به فکر بودیم ببینیم چه چیزی تکلیف ماست، به همان عمل کنیم؛ و آنچه که پیش آمد، به خواست خداوند متعال بود.

امام عزیز (ره)، با ایمان و جهاد و اخلاص و عمل صالح خود، سنگ بنای حکومت اسلامی را در ایران گذاشت و خدای متعال هم نصرت خود را بر او نازل کرد. پروردگار عالم اصدق القائلین است که فرمود: "والذین جاهدوا فینا لنهیدنهم سبلنا"، "من‌کان الله‌ کان الله‌ له"، "و لینصرن الله‌ من ینصره". این آیات و روایات، بیان حقیقت و واقعیت است.

در کشور ما، جهاد و مبارزه و تلاش و اخلاص در میان مردم نمود پیدا کرد و خدای متعال هم برکت داد و پیروزی به دست آمد و اسلام حاکمیت یافت و قرآن عزیز شد و مسلمانها در دنیا اعتزاز معنوی پیدا کردند و روی آوری به اسلام را افتخار خود دانستند و از مسلمان بودن خویش خجالت نکشیدند.

اسلام در ایران ریشه دواند و مردم ده سال با مشکلات مبارزه کردند. اینها همه از نعمات و برکات الهی است. بایستی شکرگزار و قدرشناس این نعمات باشیم و همچنان به تکلیف حساس و دقیق و ظریف خود عمل کنیم. اگر ما نتوانیم قضای اسلامی به معنای واقعی را در جامعه پیاده کنیم و عدل اسلامی را در دستگاه قضاوت و حکومتان نشان دهیم و نتوانیم زمینه‌های تداول ثروت بین اغنیا را که اسلام آن را منع کرده است، با نظام اقتصادی درست در جامعه‌ی اسلامی از بین ببریم و نتوانیم اخلاق و ارزشهای اسلامی را در جامعه مجسم و محقق کنیم، در نتیجه نظامی با پرچم و اسم اسلام، اما با حقیقت و معنای غیراسلامی - و احیانا جاهلی - خواهیم داشت؛ که هر چیز غیراسلامی باشد، جاهلی است؛ "فماذا بعد الحق الا الضلال". اگر خدای نکرده چنین شد، ما همان مؤذن بدصدایی خواهیم بود که صدا و آهنگ ناخوش ما، به جای آن که به اسلام عزت و آبرو ببخشد، آن را دچار سرشکستگی خواهد کرد.

در این میان، جامعه‌ی روحانیت و حوزه‌های علمیه نقش اول را دارند و مسؤولند که اسلام را درست تبیین کنند و



هرجا که احتیاج به متصدیان لایق و مؤمن و عارف و آشنا به رموز اسلامی است، آن‌جا را پر کنند و مردم را ارشاد و حکومت را نصیحت نمایند و با قدرت معنوی خود، مسیر مشکلات را هموار سازند.

حوزه‌های علمی باید بر سه مبنا تحرك خودشان را افزایش دهند و سازماندهی و نوآوری کنند:

مبنای اول، فقه سنتی و جواهری است، که تعبیر امام بزرگوارمان بود. صاحب جواهر، مظهر یک فقیه مقید به مقررات فقهت و قواعد اصولی و فقهی است. او یک ملای اصولی مقید و دقیق و منظم بود که از موازین رایج فقهی بین اصولیین، هیچ تخطی نکرد و در بررسی هر مسأله، شهرت و اجماع و ظواهر ادله و اصول و هرچه را که جزو ابزارهای معمولی کار فقهت شمرده می‌شود، در اختیار گرفت و آنها را با همان دقت یک فقیه اصولی به کار می‌بست. بنابراین، فقه جواهری، یعنی همان فقه سنتی رایج با متد فقهت. این روش و متد، همان کیفیت رسیدگی یک مسأله در فقه است.

روش رایج فقه، بدین ترتیب است: اولاً، استفاده از ظواهر و علاج مشکلات ظواهر و امارات؛ و هنگامی که فقیه دستش از امارات کوتاه شد، مراجعه به اصول، و پیدا کردن اصلی که این‌جا مجرای آن است؛ و اگر معارضه‌یی میان اصول وجود داشته باشد، علاج کردن آن معارضه و دیگر مشکلات باب اجرای اصول ... و بالاخره از آب در آوردن مسأله‌ی فقهی.

این، فقه جواهری است. ما دو فقه، یکی سنتی و دیگری پویا نداریم. فقه پویا، همان فقه سنتی ماست. پویاست، یعنی علاج‌کننده‌ی مشکلات انسان و پاسخگویی حوادث واقعه است؛ و سنتی است، یعنی دارای شیوه و متدی است که بر طبق آن "اجتهاد" انجام می‌گیرد، و این شیوه قرن‌ها معمول بوده و کارایی خود را نشان داده است. باید فقهت تقویت شود و درسها و حوزه‌های فقهت مورد اهتمام قرار گیرند. اصولاً بی‌مایه فطیر است و بدون درس خواندن و زحمت کشیدن و ملا شدن، نمی‌توان مفید واقع شد.

مبنای دوم، تزکیه‌ی اخلاقی است، که اگر در افراد حوزوی نباشد، همان مسأله‌ی دزدی است که با چراغ می‌آید و کار را مشکلتر می‌کند. این قسمت، مستغنی از بیان است.

مبنای سوم، آگاهی‌های سیاسی است. اگر شما اعلم علما هم باشید، ولی زمانتان را نشناسید، محال است بتوانید برای جامعه‌ی اسلامی امروز مفید واقع شوید. اگر ندانیم که استکبار چه کار می‌خواهد بکند و دشمنان ما چه کسانی هستند و از کجا نفوذ می‌کنند، و اگر متوجه نباشیم که در جامعه‌ی ما چه می‌گذرد و چه مشکلاتی وجود دارد و علاجش چیست، و اگر اطلاع نداشته باشیم که در جبهه‌بندی‌های امروز جهان چه جایگاهی داریم، نمی‌توانیم نقش واقعی خود را ایفا کنیم.

همیشه کتک و توسری را کسانی می‌خورند که بین دو جناح بازیگر قرار گیرند و ندانند چه اتفاقی می‌خواهد بیفتد و چه عواملی صحنه‌ی بازی را به نفع خود تغییر می‌دهند. بصیرت و علم به زمان و استفاده از موقعیتها برای هر عاملی - چه اعلم‌العلماء باشد، و چه کسی که در یک محله احکام دین را به چند نفر تعلیم می‌دهد - ضروری است؛ منتها هرچه مقام بالاتر باشد، آگاهی‌های بیشتر و وسیعتری مورد لزوم است.

ما در طول تاریخ تشیع، به خاطر عدم آگاهی علما از حقایق جریان‌ات دنیا، خیلی ضربه خوردیم؛ بخصوص در دو بیست سال اخیر که دنیا شکل جدیدی پیدا کرد و استعمار پدید آمد و سیاستها عوض شد و دولتهای اروپایی وارد میدان سیاست جهانی شدند و به کشورهای اسلامی تعرض کردند.

هرگاه ما عالم دین و تقی و باهوش و زرنگ و دقیقی مثل میرزای شیرازی و شیخ انصاری داشتیم، از شر دشمن محفوظ می‌ماندیم و برنده بودیم؛ ولی آن‌جا که قدری غفلت و ناآگاهی در کار بوده است، ضرر می‌کردیم، که آن ضرر، به یک نفر و یک حوزه و یک مجموعه و یک شهر و یک سال و چند سال محدود نمی‌شد؛ بلکه در برخی موارد اثرش تا پنجاه سال تمام، جامعه‌ی اسلامی را تحت فشار قرار می‌داد.



دیگر نباید تسلیم ناآگاهیها شویم. باید آگاهی و بصیرت را در خودمان تقویت کنیم. باید برآن سه مبنا، حوزه‌ها را بازسازی کنیم و توسعه دهیم. حقا و انصافا حوزه‌ی مشهد از استعداد بالایی برخوردار است و از نظر علمی و عملی و اخلاقی و سیاسی، اساتید خوب و علمای بزرگ و شخصیت‌های برجسته‌ی دارد و طلاب با سابقه‌ی خوب و مستعدی در آن جا مشغول تحصیل هستند. ان شاء الله حوزه‌ی مشهد بتواند در این زمینه نقشی داشته باشد و اقدام مهمی بکند.

امروز دشمنها منتظرند تا به ما ضربه زنند؛ ما باید حواسمان جمع باشد. خوشبختانه امروز طوری است که توطئه‌های استکبار جهانی از نظر ملتها افشا شده است و این جمله‌ی منسوب به امام سجاد (ع): "الحمد لله الذي جعل اعدائنا من الحمقاء"، واقعا در مواردی صدق می‌کند. همین توطئه‌ی اخیر حکام سعودی برای متهم کردن ملت بزرگ ایران و مسؤولان آن، از همان قبیل توطئه‌هایی است که تاکنون افشا شده است. همه می‌دانند و می‌فهمند که این بغضها و حقه‌ها از کجا سرچشمه می‌گیرد.

مجددا به همه‌ی آقایان خیرمقدم و تسلیت می‌گویم و از این که راهی طولانی را طی فرمودید و تشریف آوردید، تشکر می‌کنم. امیدوارم که لطف و فضل الهی شامل حال شما باشد و روزبه‌روز ان شاء الله وضعی بهتر از گذشته داشته باشید و قلب مقدس حضرت ولی‌عصر (ارواحنا فداه و عجل الله تعالی فرجه) از ما راضی باشد و دعایش شامل حالمان گردد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته